

پرده نقره‌ای

رئیس انجمن سینماداران:

چاره‌ای جز بازگشایی سینماها نداریم



رئیس انجمن صنفی سینماداران می‌گوید: ما چاره‌ای جز بازگشایی سینماها نداریم چون از همه جانامیدیم و هر حرفی می‌شنویم در حد شعار است. محمداقصد اشرفی در گفت‌وگو با ایسنا درباره بازگشایی احتمالی سینماها و اختیاری بودن آن بیان کرد: از آنجا که اعلام شده بیشتر کسب و کارها پس از ماه رمضان بازگشایی می‌شوند، ما هم منتظریم برای سینماها این اتفاق بیفتد و خبر را از سازمان سینمایی پیگیری می‌کنیم تا ببینیم براساس چه دستورالعملی باید کار را شروع کرد. اختیاری اعلام شدن بازگشایی هم بیشتر برای شروع است و شاید بعضی سینماها با تاخیر یکی دو هفته‌ای کار را آغاز کنند، اما به هر حال باید این اتفاق بیفتد، چون سینماها در شرایط بسیار بحرانی هستند و هیچ راهگشایی برای ما در نظر گرفته نشده است. او در پاسخ به اینکه مگر کمک سازمان برای هر پرده سینمایی ۱۰ میلیون تومان تاثیری نداشته، افزود: بیشتر سینماها در تنگنای مالی هستند و آن ۱۰ میلیون تومان را نگر فتم چون قبلا هم گفتیم که این برای ما یک شوخی است. ۱۰ میلیون تومان با وام ۶ ماهه چه دردی از ما دوا می‌کند؟ ما چیزی می‌خواهیم که نه تمام مشکلات بلکه حداقل بخشی از مشکل ما را کم کند. اینجاست که باید حمایت کند. محل کسب ما بسته شده و از همه جانامید شده‌ایم. هر حرفی هم زده می‌شود در حد شعار است و ما فعلا فقط به شعارها گوش می‌دهیم. وی با اشاره به مشکلات مالی سینماداران در پرداخت قبض‌ها و حقوق و حق بیمه کارکنان خود گفت: دولت تمام اقدام را گران کرده ولی ما تصمیم گرفتیم امسال بلیت سینما را گران نکنیم.

حتی مولفه‌هایی چون موسیقی در «یک اتفاق ساده» غایب است و این مذاقه و سکون و تفکر است که جای هر چیز دیگری را در سینمای شهید ثالث پر می‌کند. سینمایی که همیشه می‌شود توصیه‌اش کرد

می‌دود به گرد پای زندگی نمی‌رسد. پدرش کم حرف و صعب و سخت است و مادر هم نزار و در بستر بیماری است. در مدرسه هم ممد عقب‌تر از دیگران است و از پنجره نگاه به بیرون دارد. انگار او انسجام ذهنی لازم برای در مدرسه نشستن را ندارد، او کمک پدر در ماهیگیری ست، کمک مادر در امور خانه است و فرصتی برای کودکی ندارد. فیلم در میز آنسن، در حرکت دوربین و در دیالوگ به شدت کمینه است. انگار به عمق یک تابلوی نقاشی می‌رویم، تابلویی اسرار آمیز که حرکت پیدا کرده و ما را دائما به درون خودش می‌برد. فیلم از جهاتی هم بی‌رحم است، کار تفسیر را به عهده مخاطب می‌گذارد و شاید هم با نگاهی دیگر؛ البته فیلم دمو کراتی ست، چون جای تماشاچی اش تصمیم نمی‌گیرد، حتی مولفه‌هایی چون موسیقی در «یک اتفاق ساده» غایب است و این مذاقه و سکون و تفکر است که جای هر چیز دیگری را در سینمای شهید ثالث پر می‌کند. سینمایی که همیشه می‌شود توصیه‌اش کرد.

از دیگر مولفه‌های پر رنگ سینمای کیمیایی که در «خط قرمز» چندین بار نمود پیدا می‌کند، جنس دیالوگ‌هاست که البته برخلاف دیالوگ‌های آثار مناخرش با سماعی و شعاری نیست، مضمون زده شاید و تا حدی، اما خیلی گل درشت نیست. از همه این‌ها که بگذریم نکته بارز فیلم نوع شخصیت پردازی‌اش است که حق به جانب هیچ کس نیست و در نگاهی با فاصله حتی تا حدی می‌توان با بدمن داستان همذات پنداری کرد. فیلمی که در زمانه خودش توقیف شد و هیچگاه هم به پرده نرسید و حالا در عصر اینترنت بارها و بارها دیده می‌شود تا تاییدی باشد به آن قول معروف که: «هیچ فیلم توقیفی در کمد نمی‌ماند.»

دومین فیلمی که در این روزها و در خوانش مجدد از آرشبو خاص‌های سینما، قلقلک داد که تماشاچیش کنم، «یک اتفاق ساده» بود. کاری از سهراب شهید ثالث، کلاس درسی برای تمام کارگردان‌هایی که طی سال‌های اخیر کسالت‌بارترین آثار سینما را به اسم سینمای هنری یا روشنفکری به مخاطب قالب کردند و نتوانستند راوی درستی برای داستان‌هایشان باشند. در واقع نمایش ظریف هر مضمون به ظاهر ساده یک مولف، نیاز به یک مهندسی دقیق دارد و شهید ثالث در «طبیعت بی‌جان» و «یک اتفاق ساده» نشان می‌دهد که چگونه می‌توان کم و موثر کارگردانی کرد، بهترین‌ترین حالت ممکن.

«یک اتفاق ساده» داستان ممد است. نوجوانی ساکن بندر ترکمن که زندگی با او سرسازگاری دارد و هر چه



او مواجه هستیم، اصلا فصل آغازین داستان، چند شکارچی (ساواکی) را حین شکار نشان می‌دهد و کمی بعد تر برف پاک‌کن ماشین شکارچیان، خون را از جلوی شیشه پاک می‌کند، بعدا و به کرات کاراکترهای داستان در خانه امنی و لاله در میز آنسن‌هایی که آکنده از سرهای شکار شده است، محصور می‌شوند.

که خود کیمیایی بعدها گفت که در آن دحل و تصرف زیادی داشته، بدون آن که مشکل خاصی با بیضایی پیش بیاید. نقش امنی را سعید راد بازی می‌کند و نقش لاله را فریماه فرجامی، هر دو در اوج زیبایی و توان بازیگری، فیلم، یک هاشم پور جوان و یک خسرو شکیبایی تازه کار دار و به مانند تمام آثار کیمیایی اینجها هم با کلی نشانه‌های سینمای

بوده و در کمال شگفتی فیلم چقدر تازه به نظر می‌رسد. «خط قرمز» روایت آقای امنی ست که عاشق لاله است و از قضا یکی ساواکی ست و دیگری انقلابی. حداقل لاله از وضعیت امنی مطلع نیست، شب افشاکاری همان شب زفاف می‌شود و شب زفاف همان شب سمور است. نام فیلمنامه همین شب سمور است، متعلق به بیضایی، طرحی

ایمان عبدلی

حالا به مدد این روزهای بی سینما چاره‌ای نیست جز این که به آرشیو سینما پناه ببریم و اتفاقا گاهی واقعا عدو سبب خیر می‌شود. در همین کدو کواو این روزها به «خط قرمز» کیمیایی رسیدیم، فیلمی که نشان می‌دهد کیمیایی، زمانی چقدر در اوج

تازه‌های سینما

رویدادهای جدید شبکه نمایش خانگی

یک «خانه» آذری و یک «آشفته‌گی» خونین

ایان نامجو

دو اثر قابل توجه سینمایی در روزهای اخیر به شبکه نمایش خانگی آمده، دو کاری که علی‌رغم ضعف‌هایی که دارند، در حدی هستند که بشود توصیه به تماشایشان کرد.

آشفته‌گی جیرانی

فریدون جیرانی یک دوره‌ی طولانی به ساخت آثاری دست می‌زد که علاوه بر سویی‌های روانی پر رنگ، نگاه به مخاطب عام داشت و به نوعی داستانش را بر هیجان و با ضرباهنگ بالا تعریف می‌کرد. آثاری نظیر «قرمز» و «آب و آتش». در این برهه هم با اقبال منتقدان مواجه شد و هم با اقبال مردم، حالا اما چند سالی هست که جیرانی تلاش می‌کند با ساخت آثاری که مملو از تجربه‌گرایی ست، پیشتر به خواست خودش بپردازد. در واقع تجربیاتی مثل «خفته‌گی» و «آشفته‌گی» بیشتر مساله فرم دارد و خیلی توجهی به راضی کردن مخاطب ندارد. با این حال

«آشفته‌گی» آن قدرها هم که برخی نوشته‌اند فیلم بدی نیست و اتفاقا چیزهایی از یک «نوار» ایرانی را دارد. داستان فیلم درباره جابه‌جایی هویتی دو برادر بر اساس یک قتل است. بر دیا و بارید دو برادری هستند که چهار سال قبل با هم مرافعه داشتند و رابطه‌شان قطع شده و حالا دوباره به هم رسیده‌اند؛ یکی تاجر است و زندگی ماجراجویانه‌ای دارد حتی از حیث عاطفی، دیگری نویسنده است و سر در توی خودش دارد ا قتل اتفاقی بر دیه به دست بارید، شروع بدشدن «بارید» است. همان جمله‌ای که در داستان «بارید» هم می‌شنویم؛ «آن مرد خوب، بد شد». درون مایه‌ی فیلم همین است و روند روایت در جهت بدشدن یک خوب پیش می‌رود. از ایرادات پر رنگ فیلمنامه یکی دست‌روی داستان است، مخاطب با هوش تر سینما دانها می‌تواند پیش‌بینی‌های در ست از روند داستان داشته باشد، به علاوه این که داستان در دقایقی از نفس می‌افتد و به اندازه کافی شاخ و برگ ندارد، علاوه بر این که منطق روایت در

پیچ‌های داستانی خیلی چفت و بست ندارد، اما با همه‌ی این‌ها «آشفته‌گی» اتمسفر دارد، رنگ و قاب و میز آنسن به طور همگنی در جهت خلق یک تریلر روانشناختی به کار گرفته شده‌اند. عده‌ای از کج بودن قاب‌ها ایراد گرفتند، اما همان هم به عنوان یک تمهید جای کوچکی برای کشف و شهود مخاطب باز گذاشته و مثلا همین ارقامیسه کنبد با آثاری شماری که در سینمای ایران ساخته می‌شوند و می‌روند و حتی به اندازه یک تصویر در یاد نمی‌مانند، بس که معمولی و خنثی هستند. «آشفته‌گی» حداقل پشت خودش سینما دار دو اگر با حوصله باشید، فیلم بدی نیست.

آنو - یوسفی نژاد

پیرمردی از دنیا رفته و همه دور جسد او جمع شده‌اند. تنها دختر باقی مانده اش «سایه» از همسایگان می‌خواهد تا جسد پدر را در اتاقش تا آمدن داماد خانواده نگه دارند. متوفی وصیت کرده که بعد از مرگ، جسد او را در اختیار دانشکده پزشکی برای استفاده علمی قرار دهند اما دختر



شدیدا مخالف است. در طول زمان فیلم افراد حقیقی و حقوقی مختلفی تلاش می‌کنند تا «سایه» را مجاب کنند به وصیت پدرش عمل کند. دختر اما بی‌قرار است و بعد از دقایقی متوجه می‌شود که زیر پوست رفتارهای او نوعی عذاب وجدان وجود دارد که در واقع همان گنهی اصلی تحركات کاراکترهای اصلی داستان است. «خانه» یک فیلم پر دیالوگ است که چون زبانش هم آذری ست، از جهاتی برای تماشاچی غیر آذری‌ها خیلی ساده نیست و گاه از سرعت زیر نویس‌ها جامی مانی فیلم‌پسر از پلان - سکانس‌های طولانی ست که در نهایت ریتم و حرکت و دوربین

روی دست مطابق با الگوی سینمای فرهادی، خوب و قدر تمند اجرا شده، اما چیز تازه‌ای در سینمای ایرانی نیست. فیلم، به‌رغم توصیف‌ها و تحسین‌های اغراق آمیزی که از زمان اکران تا همین حالا پشت سرش داشته، آن قدرها هم جهان‌ویزهای ندارد اما خب تم افشاگرانه و پرداخت خوش ریتم آن، اثر را در دسته‌ی خوب‌های این چند سال اخیر سینمای ایران جای می‌دهد. از نکات قابل توجه البته بازی به‌شدت باورپذیر بازیگران ناشنای کار است، از آن فیلم‌ها که کم حوصله‌ها را هم جذب می‌کند و تا آخر پای کار نگهشان می‌دارد.

بازیگر سرشناس هالیوود در راه فضا



رایان گاسلینگ به عنوان یک فضانورد، در فیلمی جدید به کارگردانی فیل لورد و کریس میلر بازی می‌کند. فیسل لورد و کریس میلر با پروژه جدید خود به فضا خواهند رفت. این دو قرار است فیلم «پروژه درود» در مریخ را برای کمپانی مترو گلدوین مایر کارگردانی کنند. این دو نفر تهیه‌کننده فیلم نیز خواهند بود. رایان گاسلینگ برای بازی در این فیلم سینمایی به این پروژه اضافه شده است. پروژه‌ای که اقتباسی از زمانی منتشر نشده نوشته‌اندی ویر خواهد بود. این رمان بهار سال ۲۰۲۱ منتشر می‌شود. آندی ویر در سال ۲۰۱۱ رمان «هریخی» را نوشته بود که در سال ۲۰۱۵ فیلم آن با همین نام ساخته شد و توانست جوایزی را در اسکار کسب کند.

۱۰ فیلم اکران نشده متقاضی اکران آنلاین

مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی عنوان کرد که بلیت سینماها در سال جاری، نسبت به سال گذشته تغییری نخواهد داشت. مسعود نجفی با ارائه گزارشی از وضعیت اکران‌های آنلاین، گفت: این طرح راه‌آفاده و استقبال نیز شده است. وقتی بامدیر یکی از پلتفرم‌های نمایش آنلاین فیلم صحبت می‌کردم گفت که بیش از ۱۰ فیلم متقاضی این هستند که اکران آنلاین داشته باشند. ما به امروز فیلم سینمایی «خروج» نزدیک به ۱۵ هزار بلیط و حدود ۲ میلیارد تومان فروش داشته است که نتیجه آن حدود ۳۵۷ هزار بیننده است. وی افزود: دومین فیلمی که به صورت آنلاین عرضه شد، فیلم سینمایی «طلا» بود که تاکنون بیش از ۱۰۰ هزار بلیط فروخته و نزدیک به ۱.۵ میلیارد تومان فروش داشته، این فیلم تا امروز نزدیک به ۲۵۰ هزار بیننده داشته است که آمار خوبی به شمار می‌رود. البته با توجه به اینکه این کار تجربه جدیدی برای عوامل فیلم‌ها و مردم بوده است می‌توان گفت که استقبال خوبی را شاهد بودیم. نجفی در گفتگو با برنامه «در انتهای الوند» شبکه دو گفت: ده فیلم متقاضی اکران آنلاین شده‌اند.



و همینطور «گزارش یک جشن» تاکنون اکران نشده‌اند چون هر دو دقیقاً مشکل‌شان مشابه «شغال‌های دوست داشتنی» است که در نهایت اکران شد. اما دو فیلم جنجالی که از مدت زمان توقیف‌شان پنج سال می‌گذرد، «کاناپه» و «آرادتمند: نازنین، بهاره و تینا» هستند. «کاناپه» همانند «خانه پدری» از پر حاشیه‌ترین آثار کارنامه کیانوش عیاری است. فیلمی با بازی ابوالفضل پورعرب، فرهاد آئیش، بابک حمیدیان و فریبا کامران. عیاری سال گذشته

آیا اکران آنلاین به نفع فیلم‌های توقیفی است؟

دوربین رفت؛ با بازی پرویز پرستویی، مریلازاری و فرهاد اصلانی البته سازنده فیلم اخیرا در گفتگویی اعلام کرده تمایلی به اکران آنلاین ندارد. ۱۰ سال از ساخت فیلم «گزارش یک جشن» می‌گذرد. فیلمی با بازی رضا کتبیان، مریلازاری، طناز طباطبایی و... که به حوادث بعد از انتخابات ۸۸ می‌پردازد. حاتمی کیا با «خروج» آغازگر مسیر اکران آنلاین فیلم‌ها در سینمای ایران شد. اما فعلا تصمیمی برای ادامه دادن به این مسیر با فیلم توقیفی «گزارش یک جشن» نگرفته است. «خیابان‌های آرام» از دیگر فیلم‌های توقیفی کمال تبریزی در کارنامه‌اش است که به دلیل مضمونش تاکنون فرصت اکران پیدا نکرده. سال ۸۹ ساخته شد و به صورت غیر مستقیم به حوادث انتخابات ۸۸ می‌پردازد. هنوز معلوم نیست چرا این فیلم

پس از اکران آنلاین «خروج» و «طلا»، صاحبان برخی آثار توقیفی نیز به صرفا افتادند تا فیلم‌هایشان را در تازه‌ترین ظرفیت سینمای ایران رونمایی کنند. شاید اکران آنلاین تنها فرصت باقی مانده برای فیلم‌هایی است که سال‌ها توقیف بودند و بحث درباره اکران آنها تاکنون بین نتیجه‌مانده است. به گزارش فیلم‌نویز؛ به فهرست فیلم‌های توقیفی که نگاه می‌کنیم مدت زمان توقیف چهار فیلم بیش از بقیه است. «صد سال به این سال‌ها» بیش از یک دهه یعنی ۱۳ سال است که در توقیف به سر می‌برد. اما این روزها بحث اکران آنلاین آن بیش از بقیه فیلم‌ها داغ شده است. تهیه‌کننده فیلم اعلام کرد که همه‌ی کارها برای صدور مجوز انجام شده و فقط دستور نهایی وزیر ارشاد برای اکران این فیلم مانده است. «خرس» به کارگردانی خسرو معصومی سال ۹۰ جلو